

## سکوت مبهم قاتل شهید رنجبر

**گروه حوادث:** با گذشت سه روز از شهادت مظلومانه جانسین پاسگاه انتظامی بیدرز شیراز و در حالی که قاتل وی از سوی پلیس و سربازان گمنام امام زمان ظهر جمعه در یکی از روستاهای استان فارس دستگیر شد وی در بازجویی ها هنوز از انگیزه این جنایت حرفی نزده است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، سرهنگ کاووس محمدی معاون فرهنگی اجتماعی فرماندهی انتظامی استان فارس در این باره گفت: عامل قتل سرهنگ دوم علی اکبر رنجبر پس از دستگیری برای تحقیق و بازجویی به اداره پلیس آگاهی استان منتقل شد اما همچنان سکوت اختیار کرده و درباره انگیزه اش از این جنایت حرفی نزده است. با این حال تحقیقات از وی در این باره ادامه دارد تا جزئیات و زوایای پنهان این حادثه روشن شود.

### برخورد جدی با مخلان امنیت

صبح دیروز سردار حسین اشتری، فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران نیز با بیان اینکه شهید سرهنگ دوم علی اکبر رنجبر از جمله خیل مجاهدان فی سبیل الله است که جان خود را در راه لیک به پیام رهبر عزیز و فرزانه انقلاب اسلامی امام خامنه ای تقدیم امنیت و آرامش مردم کرد گفت: امنیت مردم خط قرمز پلیس است و برخورد قاطع با مخلان آسایش و امنیت مطالبه جدی مردم و انتقام خون این شهید بزرگوار وی و عنوان حق مسلم خانواده وی و مجموعه انتظامی کشور است؛ بنابراین به همه فرماندهان انتظامی و رؤسای پلیس های تخصصی مؤکداً تأکید می کنم، برخورد با اراذل و اوباش و مخلان نظم و امنیت جامعه را در دستور کار قرار داده و ضمن هماهنگی با مراجع قضایی این موضوع را به صورت ویژه اجرایی کنند.

### قانون به کارگیری سلاح توان عملیاتی پلیس را کم می کند

سردار مهدی حاجیان، سخنگوی ناجا نیز با بیان اینکه قانون به کارگیری سلاح در کشور ما متعلق به ۲۰ سال قبل است گفت: برای حمل و به کارگیری سلاح، قانون «به کارگیری سلاح» را در ۱۷ ماده داریم که مصوب سال ۸۰ و ۸۱ است. در ماده ۲ این قانون، شرایطی گذاشته شده است که به عنوان مثال مأمور باید آموزش دیده باشد، از لحاظ روانی سالم باشد و... در ماده سه نیز ۱۰ شرط و در ماده ۶، شش شرط برای استفاده از سلاح گذاشته شده است. یعنی یک مأمور که هنگام درگیری باید در کسری از زمان بتواند از سلاح خود برای دفاع از مردم استفاده کند، با این شرایط باید نخست آنها را بررسی کند و ببیند برای به کارگیری از سلاح

این شرایط وجود دارد یا خیر؟

در این شرایط توان ریسک از پلیس گرفته شده و توان عملیاتی پلیس کاهش می یابد.



بعد از یک عملیات پلیس وارد پروسه های قضایی و درگیری های قضایی، بازجویی، بازخواست و سؤال و جواب می شود که چرا از اسلحه استفاده کردی؟ چگونه از اسلحه ات استفاده کردی؟ آیا این شرایط بود؟ بعضاً نیز وکیل مدافع می گوید آن شرایط لحاظ نشده و قاعداً پلیس را دچار یک درگیری زدن، خانوادگی و اجتماعی می کند که این موضوع توان عملیاتی پلیس را می گیرد.

### دستور رئیس دیوان عالی کشور

حجت الاسلام والمسلمین مرتضوی مقدم، رئیس دیوان عالی کشور نیز در پی شهادت مظلومانه جانسین پاسگاه در بیدرز شیراز و دستگیری متهم، در نامه ای خطاب به رئیس کل دادگستری استان فارس بر ضرورت تسریع در رسیدگی و دادرسی این پرونده به صورت فوق العاده تأکید کرد. گفتنی است شهید رنجبر شامگاه چهارشنبه ۱۳ بهمن با ضربات چاقوی مردی شرور به قتل رسید.

## مرگ کاردگر حجره بر اثر گاز گرفتگی

**گروه حوادث:** دو کارگر افغانستانی که در یکی از حجره های شهرک صنعتی آهن مکان در حال استراحت بودند دچار گاز گرفتگی شده و یکی از آنها جان باخت.

سید جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در تشریح این خبر گفت: ساعت ۵:۵۱ صبح شنبه یک مورد حادثه گاز گرفتگی در محله صالح آباد شرقی، شهرک صنعتی آهن مکان، به سامانه ۱۲۵ سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران اطلاع داده شد و امدادگران ایستگاه شماره ۴۷ به محل اعزام شدند. پس از بررسی اولیه مشخص شد در محل حجره هایی وجود دارد که برخی از آنها دارای نیم طبقه برای استراحت پرسنل بوده و حادثه در یکی از این حجره ها رخ داده بود. پیش از رسیدن آتش نشانان سایر کسبه که از نبود دو نفر از همکارانشان مطلع شده بودند این افراد را از داخل حجره خارج کرده بودند. این افراد دو کارگر افغانستانی بودند که یکی حدوداً ۲۱ ساله و دیگری ۱۸ ساله بود. ملکی اظهار کرد: به تأیید عوامل اورژانس مشخص شد جوان ۲۱ ساله جان خود را از دست داده است و علائم مسمومیت با گاز مونوکسید کربن در این فرد مشخص بود. جوان دیگر حال وخیمی داشت که توسط تکنیسین های اورژانس به مراکز درمانی منتقل شد. با حضور کارشناس آتش نشانی این فرضیه قوت گرفت که استفاده از بخاری بدون دودکش و اجاق گاز خوراک پزی موجب وقوع این حادثه شده است. البته علت قطعی از سوی کارشناس پزشکی قانونی بررسی و اعلام خواهد شد.

## جاساز مواد مخدر در برکه زردآلود و روفرفشی

**گروه حوادث:** ۶ کیلو هروئین و شیره تریاک که داخل پاروی و روفرفشی و جعبه معرق کاری جاسازی شده با در برکه زردآلود و پارچه آغشته شده بود از سوی مأموران گمرک کشف شد.

سید روح الله لطیفی، سخنگوی گمرک با بیان این خبر گفت: کارکنان گمرک «دوغارون» در استان خراسان رضوی، هنگام کنترل مسافران ورودی به کشور، از کیسه حاوی برکه زردآلود یک کیلو و ۹۶۰ گرم هروئین کشف کرده که کاملاً به شکل برکه های زردآلود درآورده بودند از یک تپچه افغانستانی کشف کردند و در مورد دیگر پارچه ای به وزن چهار کیلو و ۷۲ گرم که آغشته به مواد مخدر بود از دیگر فرد افغانستانی کشف شد. وی درباره کشفیات گمرک در بخش امانات پستی گفت: کارکنان بخش امانات پستی گمرک توانستند از جعبه چوبی معرق کاری شده به مقصد انگلستان، یک کیلو و ۵۵۰ گرم شیره تریاک کشف کنند. متهمان مواد کشف شده به دستور دادستان تایید به پلیس مواد مخدر منطقه انتظامی تایید تحویل داده شدند.

# قاتل مأمور کلانتری به قصاص محکوم شد

**گروه حوادث /** سارقی که هنگام فرار، مأمور کلانتری را با ضربه های چاقو به قتل رسانده بود، به قصاص و پرداخت دیه محکوم شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، مرداد امسال سارق ۲۸ ساله ای که همراه یک مأمور پلیس از دادسرا به کلانتری ۱۱۰ شهنا منتقل می شد بین راه مأمور پلیس به نام عبدالجبار را با ضربه چاقو به قتل رساند و فرار کرد. چند ساعت بعد متهم در استان البرز دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد. وی در مورد این ماجرا گفت: من آشپز بودم اما مدتی قبل بیکار شدم و به همین خاطر همسرم ترکم کرد و با دختر ۸ ساله ام به شهرستان رفتم. هرچه تلاش کردم تا کار مناسبی پیدا کنم موفق نشدم تا اینکه از سال ۹۸ تصمیم گرفتم با سرق متورسینگت هم زندگی ام را سامان دهم و هم همسرم را برگردانم. چند روز قبل از حادثه، مقابل یکی از بیمارستان های تهران یک موتور را سرق کردم اما دستگیر شدم. وقتی همراه سرباز کلانتری برای بازجویی به دادسرای در شرق تهران منتقل شدم آنجا قاضی برابرم وثیقه صد میلیونی صادر کرد. اما چون توان تأمین

وثیقه را نداشتم قرار بازداشت برابرم صادر کردند و قرار شد با دستبند و پابند به کلانتری برگردم. من وسریاز کلانتری سوار تاکسی شدم تا از دادسرا به کلانتری برگردم. در راه برگشت چون گرسنه بودم از او خواستم برابرم ساندویچ بخرد و پایم را باز کند همان لحظه به فکر فرار اقدام در یک لحظه چاقویی را که در وسایلم بود برداشتم و داخل جیبم گذاشتم و بعد فرار کردم مأمور سرعرت به من رسید و من برای راهپای از او چند ضربه چاقو زدم اما قصد کشتن مأمور نبود. بعد هم با قیچی آهن بر دستبند را باز کردم و با سرق یک موتور فرار کردم اما خیلی زود بازداشت شدم.

پس از اعتراف های متهم و تکمیل تحقیقات، پرونده به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در ابتدای این جلسه اولیای دم خواستار صدور حکم قصاص شدند و عنوان کردند که به هیچ عنوان حاضر به مصالحه و گذشت نیستند. در ادامه متهم به جایگاه رفت و ضمن رد



شهید عبدالجبار مختوم نژاد

اتهام قتل عمدی عنوان کرد: من با مقتول دشمنی نداشتم و او را اصلاً نمی شناختم. بنابراین نباید در کارم عمدی وجود داشته باشد. من فقط می خواستم از دستش فرار کنم. با این حال از کارم پشیمانم و از اولیای

## ادعاهای عجیب خانم معاون در مرگ مرموز شوهر



از آنجا که اظهارات زن میانسال برای بازپرس جنایی قابل قبول نبود دستور تحقیق و بازجویی بیشتر از وی صادر شد اما این بار زن میانسال ادعای تازه ای را مطرح کرد و گفت: همسرم خودکشی کرده است، اما از آنجایی که ترسیدم حرفم را باور نکنید، به دروغ گفتم که جسدش را در حمام پیدا کرده ام. نمی دانم چه بلایی سر همسرم آمده است. زن میانسال ادامه داد: بعد از خوردن قرص ها بی هوش شدم و مدتی که گذشت، به هوش آمدم. اما حال خوبی نداشتم و نیمه هوش به اطراف نگاه کردم. ناگهان بختیار را دیدم که از لوله گاز نزدیک آشپزخانه خود را حلق آویز کرده است. او چادرم را به لوله گاز وصل کرده بود. با دیدن این صحنه بسیار شوکه شدم و در همان حالت نیمه هوشیار، گره چادر را باز کرده و همسرم را از لوله گاز جدا و به حمام منتقل کردم. می ترسیدم اگر کسی او را حلق آویز ببیند باورش نشود که او دست به خودکشی زده و من در این ماجرا متهم شوم به همین دلیل هم بود چنین فرضیه ای را مطرح کردم.

اما ادعای خودکشی نیز خیلی زود از سوی بازپرس رنگ باخت، چرا که با توجه به جثه و قد مرد میانسال و ارتفاع پایین لوله گاز، او نمی توانست خود را از لوله گاز حلق آویز کند، چرا که قد مرد میانسال از ارتفاع لوله گاز بیشتر بود.

زن میانسال زمانی که متوجه شد، ادعای خودکشی نیز از سوی بازپرس چنانی رد شد، این بار ادعا کرد همسرش با قرص خودکشی کرده است. او گفت: بعد از اینکه من قرص ها را خوردم نیمه هوش روی زمین افتادم و همسرم را دیدم که او نیز قرص هایی را که من خورده بودم، خورد و به سمت حمام رفت. بختیار بعد از بی هوش شدن من، فوت کرد و به زندگی اش پایان داد.

در حالی که اظهارات ضد و نقیض زن میانسال و ادعای وی در مورد مرگ همسرش یکی پس از دیگری رد می شد متخصصان پزشکی قانونی اعلام

امدادگران اورژانس، وی جان باخته بود. در ادامه مأموران به سراغ بازبینی تصاویر دوربین های مدار بسته و رفتند و هویت مرد جوانی که محمود را به پمپ بنزین برده بود شناسایی کردند. پس از آن وی بازداشت شد و در اعترافات اولیه خود را دوست محمود معرفی کرد و گفت: روز حادثه با خودروی محمود به جاجرود رفتم اما وقتی از کنار باغ بزرگی رد می شدم حفاظ فلزی حصار دور باغ نظرم را جلب کرد و به فکر سرقت افتادم. در حال بریدن آنها بودیم که چهار مرد جوان که نگهبانان باغ بودند با چوب و چماق به ما حمله کردند و پس از این که تک مان زدند، پاهایمان را با ننجیر به عقب تراکتور بستند و ما را روی زمین کشاندند.

با اظهارات تکان دهنده ناصر، مأموران به باغ مورد نظر رفتند و چهار نگهبان باغ را بازداشت و به دادسرای امور جنایی پایتخت منتقل کردند. یکی از متهمان گفت: روز حادثه پس از آنکه متوجه شدیم دو نفر در حال سرقت حصار اطراف باغ هستند، آنها

## دستگیری زن کلاهبردار بعد از ۱۰ سال

**گروه حوادث:** زن جوان که به بهانه فروش اتوبوس از ۲۰ نفر بیش از ۵۵ میلیارد تومان کلاهبرداری کرده بود، پس از ۱۰ سال شناسایی و دستگیر شد.

به گزارش گروه حوادث «ایران»، چندی قبل پرونده ای مبنی بر بازداشت یک زن کلاهبردار و شناسایی مخفیگاه متهم به قرارگاه جلب پلیس پیشگیری تهران بزرگ رسید و بررسی موضوع در دستور کار مأموران این پلیس قرار گرفت.

سردار حمید هداوند جانسین پلیس تهران بزرگ در تشریح جزئیات خبر فوق اظهار داشت: در بررسی های اولیه مشخص شد که متهم در سال ۱۳۹۱ تحت پوشش شرکت فروش اتوبوس اقدام به تأسیس شرکت خصوصی در شهر تهران کرده و با تبلیغ اینکه در دستگاه های اجرایی نفوذ و توانایی واگذاری اتوبوس با برند شرکت های معروف جهانی را دارد، اقدام به جذب مشتری و دریافت مبالغ هنگفتی از شهروندان کرده بود.

این مقام ارشد پلیس با اشاره به اینکه متهم پس از کلاهبرداری با هویت جعلی به زندگی مخفیانه پرداخته و به طور مرتب محل سکونتش را تغییر می داد، گفت: مأموران انتظامی با تحقیقات دقیق تر موفق به شناسایی مخفیگاه متهم در محله بریانک شدند و او را دستگیر کردند. در حال حاضر متهم با ۲۰ شاکی روانه مرجع قضایی شد و کارشناسان ارزش کلاهبرداری انجام شده را ۵۵۰ میلیارد ریال محاسبه کرده اند.

## ردپای زن جوان در آتش سوزی مرگبار

**گروه حوادث:** آثار سوختگی روی پای زن فروشنده و پنهنجاری وی در آتش گرفتن مرموز صاحبکارش باعث شد تا بازپرس جنایی دستور بازداشت او را صادر کند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت یک ظهر چهارشنبه ۱۳ بهمن مرگ مرد ۴۷ ساله ای در بیمارستان سوانح و سوختگی به بازپرس حبیب الله صادقی اعلام شد. با گزارش این حادثه تحقیقات به دستور بازپرس جنایی آغاز و در بررسی های صورت گرفته مشخص شد مرد میانسال از روز ۶ بهمن به بیمارستان منتقل شده بود اما به علت شدت سوختگی فوت کرده است.

با توجه به مشکوک بودن ماجرا، بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی پایتخت، دستور ادامه تحقیقات را صادر کرد. در بررسی های صورت گرفته مشخص شد که مرد میانسال به نام حامد صاحب یک مغازه خرازی در خیابان گلبرگ است. طبق اظهارات همسایه ها روز حادثه او در حالی که آتش گرفته بود از مغازه اش خارج شده و کسبه و همسایه ها با دیدن این صحنه با کسبوش آتش نشانی او را خاموش کرده و به بیمارستان منتقل کرده بودند. در ادامه تحقیقات، بازپرس جنایی دستور بازبینی دوربین های مدار بسته اطراف مغازه حامد را صادر کرد. در بازبینی دوربین ها مشخص شد که لحظاتی بعد از اینکه حامد در میان شعله های آتش می سوخت و از مغازه خارج شده بود، زن جوانی از مغازه وی خارج شده و سوختن او را نگاه می کرد. بعد از آن نیز بدون هیچ واکنشی از محل دور شد.

بدین ترتیب دستور شناسایی زن جوان از سوی قاضی پرونده صادر و بررسی ها نشان داد که او فروشنده مغازه خرازی است. زن ۴۲ ساله به نام شهناز بازداشت و در تحقیقات گفت: مدتی قبل در مغازه خرازی کار می کردم اما به خاطر برخی مشکلات آنجا را ترک کردم ولی از یک ماه قبل به محل کارم برگشتم. دختر جوان که پای چپش نیز در این حادثه سوخته و آثار کبودی روی بدنش دیده می شد، ادامه داد: روز حادثه چندین ویترین مغازه بودم که ناگهان صدای فریاد سوختن حامد را شنیدم و او در حالی که آتش گرفته بود از مغازه بیرون دوید. نمی دانم پالم چطور سوخته است، اما از دیدن این صحنه به قدری شوکه شده بودم که چند لحظه ای او را نگاه کردم و بعد آنجا را ترک کردم.

با توجه به سوختگی پای دختر جوان و اظهارات متناقض او، بازپرس شعبه چهارم دادسرای امور جنایی پایتخت، دستور بازداشت او را صادر کرد و تحقیقات ادامه داد.

## نگهبان متهم به قتل در انتظار صدور حکم

یکی از متهمان به قضاوت رفت: ما با محمود و ناصر درگیر شدیم، اما نه آنها را به تراکتور بستیم و نه ضربه کشته ای به محمود زدیم.

متهم بعدی هم با تأیید اظهارات دوستش عنوان کرد: ما آنها را تکتک زدیم و قصدمان هم تشبیه آنها بود اما ضربات ما کشته نبود.

متهم سوم هم منکر قتل شد و گفت: بعد از اینکه محمود و ناصر را تکتک زدیم آنها با پای خودشان محل را ترک کردند. شاید در بین ساعات ۱۱ صبح تا ۵ عصر که از پیش ما رفته بودند محمود توسط دوستش ناصر به قتل رسیده است.

متهم چهارم هم حرف های ۳ همدستش را تأیید کرد و منکر اتهام قتل شد.

این در حالی است که پزشکی قانونی علت مرگ محمود را ضربه جسم سخت به سرش اعلام کرده است. پس از اظهارات متهمان، قضاوت ختم جلسه رسیدگی به این پرونده را اعلام کردند و برای صدور حکم وارد شور شدند.